دور از وطن هویت نداریم

گفت و گو با پژمان درستکار در برنامه «درجه یک» تلویزیون همشهری

پژمان درستکار یکی از چهره‌های ویژه ورزش و کشتی ایران در سال‌های اخیر بوده است. او در سال‌های اخیر در ۲مقطع هدایت تیم‌ملی کشتی آزاد را برعهده داشته و توانسته افتخارات زیادی با این تیم به‌دست بیاورد تا جایی که خیلی‌ها حالا پژمان مربی را از پژمان کشتی‌گیر موفق‌تر می‌دانند. او در سال‌های اخیر گفت‌وگوهای زیادی با رسانه‌های مختلف داشته اما حالا در برنامه درجه یک مقابل مژده لواسانی قرار گرفته تا شاید یکی از خاص‌ترین مصاحبه‌هایش را تجربه کند و بیشتر از سبک زندگی‌اش بگوید.

وزنه شهریور مسابقات قهرمانی جهان در پیش خواهد بود. با توجه به نفراتی که دارید آیا به قهرمانی در این رقابت‌ها امیدوار هستید؟
هفته‌های پیش رقابت‌های جام تختی را داشتیم که یکی از مراحل انتخابی تیم‌ملی است. در چند وزن نفرات اصلی مشخص هستند اما هنوز در ۵وزن انتخاب نهایی نشده است و در ۲ماه آینده تیم را کامل می‌کنیم. به قهرمانی هم بله، امیدواریم.

وزنه بله را با مکث گفتید. کار سخت است؟
سخت‌بودن که بله، سخت است؛ بالاخره قهرمانی جهان مسابقات خیلی سختی است. روس‌ها بعد از یک‌دوره که افول داشتند و در مسابقات نبودند دوباره خودشان را پیدا کرده‌اند؛ آمریکایی‌ها هم هستند. بعد از چالش‌هایی هم که در این چند سال برای روسیه پیش آمد، خیلی از کشتی‌گیران آنها برای کشورهای دیگر کشتی می‌گیرند. بحرین قهرمان المپیک داشته، مجارستان هم قهرمان جهان داشته که همه روس بوده‌اند. این دو کشور و همچنین فرانسه و بعضی از کشورهای اروپایی و آسیایی کشتی‌گیر روس دارند و همین کار ما را سخت می‌کند. طی برنامه‌ریزی‌هایی که در ۴سال گذشته داشتیم، جوانان ما امروز به سطح قهرمانی جهان رسیده‌اند اما رقابت‌های جهانی است و هزار اتفاق. با این حال تیم ما در عین اینکه جوان است، بسیار قدرتمند است. این چندماه آینده برای ما سرنوشت‌ساز است.

وزنه ما خوشحالیم که شما به تیم‌ملی برگشتید. الان اختلاف‌ها حل شده؟
اختلافی نبود.

وزنه چطور ممکن است؟ بدون اختلاف رفتید؟
اختلافی نبود. اختلاف تعریف دارد. یک موقع است که اصلا سیستم را قبول ندارید و یک زمانی هم هست که سیستم را قبول دارید ولی در جزئیات مشکلاتی وجود دارد.

وزنه به هر حال خودخواسته رفتید و خواستند که باشید.
همه‌چیز دوطرفه بود. اگر هم برگشتم کار کردن با تیم‌ملی کشتی کشور افتخار است. در سیستم کشتی بودن و خدمت به کشور لیاقت می‌خواهد که این لیاقت نصیب من شده است.

وزنه الان ارتباط با علیرضا دبیر حسنه است؟
همیشه خوب بوده. حتی وقتی نبودم هم خوب بوده. کشتی قسمتی از زندگی من است. در کشتی و در جزئیات مشکلاتی بوده. من هیچ‌وقت با شخص دبیر مشکلی نداشته‌ام و همیشه و همه‌جوره قبولش دارم.

وزنه مهم‌ترین دلیل رفتن چه بود؟
۲سال از آن اتفاق گذشته و هیچ‌جا درباره مسائلی که ممکن است بعضی‌ها از آن سوءاستفاده کنند و حاشیه درست شود، صحبت نکرده‌ام. به گفتن این بسنده می‌کنم که شاید در آن مقطع من لیاقت خدمت به تیم‌ملی کشورم را نداشتم.

وزنه خیلی‌ها معتقدند شما در سرمربیگری بسیار درخشان‌تر از دوران کشتی‌گیر بودن هستید. این را قبول دارید؟
لطف و محبت شما و دوستان است. زمان کشتی‌گیری هم بدشانس بودم و هم کم‌کاری کردم. با اینکه در جهانی و المپیک ملی‌پوش بودم ولی آن انتظاری که خودم از خودم داشتم، برآورده نشد. در مربیگری در دیگری برای من باز شد. مربیگری را از باشگاهی شروع کردم و پله‌پله بالا آمدم. با اینکه موفقیت‌هایی به‌دست آمده ولی هنوز رضایت کامل از کارنامه خودم ندارم.

وزنه چه بشود راضی می‌شوید؟ چند طلا بگیرید؟
تیم ما باید قهرمان جهان باشد. همه تلاشم را می‌کنم که آن روز بیاید. ما باید تلاش کنیم ولی تنها کسی که آخر سر نتیجه را رقم می‌زند، خداست.

وزنه می‌خواهم خاطره‌ای را که برای شما خیلی تلخ است، مرور کنم. شما رابطه خیلی خوبی با پدر مرحوم‌تان داشتید. پدر نقش مهمی در زندگی شما داشتند، به‌خصوص اینکه کشتی‌گیران را در خانه جمع می‌کردند و فضایی مثل اردوی خانوادگی برای شما ایجاد می‌کردند که آقای دبیر هم بارها آنجا حضور داشت. با اینکه شما در سال‌های کسالت پدر کنارشان بودید، ولی اتفاقی که افتاد این بود که در سفری که شما داشتید، پدر فوت کردند و همان موقع برگشتید و ۴۸ساعت تلخ را تجربه کردید. از این تجربه صحبت می‌کنید؟
بله، من آمریکا بودم و ساعت ۳صبح بود که یک‌دفعه انگار یکی من را از خواب بیدار کرد. گوشی را نگاه کردم و دیدم خواهرم پیام داده. پدرم سکته مغزی کرده و به کما رفته بود. دوران کرونا بود و سخت می‌توانستی پرواز پیدا کنی. دور دنیا را گشتم تا توانستم برگردم. ۴۰روز طول کشید تا فوت کنند. در این مدت با او صحبت می‌کردم، دست و پایش را می‌بوسیدم و... بعد از فوت پدر نماز شکر خواندم چون فکر می‌کنم باعزت رفتن از همه‌چیز مهم‌تر است. پدر نزدیک به ۷۰سال سن داشت که فوت کرد؛ باعزت زندگی کرد و روی پای خودش بود. اینکه به‌دست و پا نیفتاد و به کسی محتاج نشد، جای شکر داشت.

وزنه قطعا به شما خیلی افتخار می‌کرد.
خیلی. از وقتی چشمم را باز کردم، من را کشتی می‌انداخت. خودش و همه دوستانش کشتی‌گیر بودند. ۷، ۸سالم بود و بین فامیل که می‌رفت مثلا می‌گفت پژمان دیروز قهرمان تهران شد. با این حرف‌ها انگار آن اتفاقات را پیش‌بینی می‌کرد. من عین پدرم عاشق کشتی کم دیده‌ام. اینقدر عاشق بود که از کشتی‌گیر بودن من، به جهانی و المپیک رفتن من حظ می‌کرد. کاش بود و این دوران مربیگری‌ام را هم می‌دید. پدرم ۲دوست صمیمی داشت که از ۱۵، ۱۶سالگی با هم بزرگ شده بودند، مرحوم محمود ده‌دشت و مرحوم پرویز امدادی که هر دو کشتی‌گیر مطرح و ملی‌پوش بودند. آقای ده‌دشت اول فوت کرد و روز خاکسپاری پدرم در قطعه نام‌آوران همینطور که داشتم می‌رفتم یک جای خالی ایستادم و یک‌دفعه دیدم بغل دستم قبر آقای ده‌دشت است. اصلا قرار نبود پدرم آنجا دفن شود، انگار یکی من را به آنجا برد. ۱۰روز پیش هم دوست سوم، آقای امدادی فوت شد که او بالای سر آقای ده‌دشت خاک شد؛ یعنی هر سه کنار هم.

وزنه شما فرزند پسر هم دارید. او هم کشتی‌گیر است؟
بله، علی حدود ۱۷سالش است ولی بسکتبالیست است.

وزنه چرا راه پدر را ادامه ندادید و کشتی را به پسر یاد ندادید؟
دوست نداشت. در زمان فوت کوبی برایان که خیلی فراگیر شد، سمت بسکتبال رفت. الان در یکی از تیم‌های خوب لیگ‌برتری بازی می‌کند و به تیم‌ملی زیر ۱۸سال هم دعوت شده.

وزنه به مربیان سفارش او را می‌کنید؟ می‌گویید پسر پژمان درستکار است و هوایش را داشته باشید؟
اصلا به جان خودش وقتی پیام داد که به تیم زیر ۱۸سال دعوت شده، من تعجب کردم. گفتم مگر تو اینقدر پیشرفت کرده‌ای؟

وزنه شنیده‌ام در جوانی خیلی دعوایی بوده‌اید.
شلوغ بودم ولی دعوایی نبودم.

وزنه پس به یکی از دعواهای مهم زندگی‌تان با مرحوم فریدون قنبری اشاره نکنم؟
خدا او را بیامرزد. در مسابقات باشگاه‌های کشور در باشگاه پاس بود و من هم کشتی‌گیر پاس بودم. اسم آن مربی را اینجا نمی‌برم، شاید راضی نباشد. فریدون با آن مربی دعوایش شد. طرفداران آن مربی با فریدون درگیر شدند، نه من. فریدون در این سال‌ها خیلی متحول شده بود و با هم در ارتباط بودیم. کشتی ورزش پرهیجان و پربرخوردی است و فشار بدنی و ذهنی در لحظه مسابقه زیاد است. یک لحظه یک اتفاق بین فریدون و مربی افتاد ولی یک دفعه گر گرفت. طرف دعوا من نبودم. شیطان بودم ولی دعوایی نه. در اردوها هم خیلی شیطنت می‌کردم.

وزنه و البته شوخ‌طبع که احتمالا این خصلت‌تان به پدر رفته.
بودم ولی الان که سنم رفته بالا کم شده. من الان نزدیک به ۴۹سال دارم.

وزنه شنیدیم در سال‌های اختلاف عباس جدیدی و علیرضا دبیر در شورای شهر، شما بانی آشتی آنها هم بودید.
آن دو عزیز از قهرمانان و بزرگان کشتی بودند. نه‌تنها من که قهرمانان دیگر هم کنار هم قرار گرفتند تا کدورت‌ها برطرف شود.

وزنه یک دوره در آمریکا زندگی کرده‌اید ولی الان مهاجرت معکوس داشتید. از این تجربه صحبت کنیم. چرا نماندید و برگشتید؟ چی سخت بود؟
موقعی که رفتم در بعضی از مسائل تحت‌فشار بودم و خیلی فکر کرده نرفتم. بعضی‌ها برای تحصیل و چشم‌اندازهایی که دارند و... با برنامه مهاجرت می‌کنند ولی من برنامه‌ریزی دقیقی نداشتم و اصلا نمی‌توانستم آن محیط را تحمل کنم. ۴، ۵سالی با خانواده آنجا بودم. در همان سال‌ها سرمربیگری یک تیم لیگ‌برتری را داشتم و مدام در رفت‌وآمد بودم.

وزنه آنجا می‌توانستید مربیگری کنید.
بله، می‌توانستم. کسی که می‌رود کم‌کم می‌تواند جا بیفتد. همین اواخر هم پیشنهاد کار داشتم، ولی انگار انسان آنجا هویت ندارد. واقعا برای قهرمانان و چهره‌ها، کشور خودشان یک چیز دیگر است. با فضا نمی‌توانستم کنار بیایم. صبح‌ها حالم خوب بود، ولی دم غروب که می‌شد انگار همه غم عالم روی دل من می‌آمد. زندگی آنجا خیلی برای من خوشایند نبود و خدا خواست برگشتیم و الان راضی‌ام. هر جا که باشی زندگی سختی‌های خودش را دارد، ولی همین که در خاک کشور خودت و پیش کس و کار خودت هستی، همین که بوی مادرت و بوی خاک وطنت بهت می‌خورد، دوستان و هم‌وطن‌هایت را می‌بینی و اینکه محبت مردمش را می‌بینی، با هیچ‌چیزی قابل مقایسه نیست.

وزنه به همان نسبت که مردم ایران به مسابقات کشتی غرور و تعصب دارند، به قهرمانان کشتی هم همان حس را دارند؛ انگار نوع دیگری از تعلق خاطر است. حتی باخت کشتی‌گیر هم یک غم دیگر دارد؛ حسن یزدانی که از تیلور باخت انگار همه ما آن لحظه شکست خوردیم.
همه ورزش‌ها برای مردم مهم هستند اما کشتی یک تعریف دیگری برای آنها دارد و تعصب و عرق خاصی دارند. الان که گفتید من یاد آن باخت افتادم و تن و بدنم لرزید.

وزنه ارتباط شما با حسن یزدانی چطور است؟
من با همه بچه‌های تیم ارتباط پدرانه دارم. حسن یزدانی بزرگ‌تر و کاپیتان تیم است و نقطه‌نظرات و صحبت‌های بچه‌ها را به سرمربی و رئیس فدراسیون منتقل می‌کند و به‌خاطر همین یک صحبت‌های خاص‌تری نسبت به سایر بچه‌ها با او مطرح می‌شود. من سال ۱۳۷۰ یا ۷۱ قهرمان نوجوانان جهان شدم؛ تقریبا ۴۰سال است که در کشتی هستم و به‌صورت حرفه‌ای ۳۲سال است در اردوهای تیم‌ملی حضور دارم. در این مدت کشتی‌گیری به نظم و انضباط، مطیع‌بودن و شاگردبودن حسن یزدانی ندیده‌ام. کشتی‌گیری است که در چارچوب کار می‌کند؛ مسیر را می‌شناسد و کوچک‌ترین حاشیه‌ای ندارد.

وزنه گفته می‌شود با او اختلاف‌نظرهایی داشته‌اید.
اصلا. او از عزیزترین کشتی‌گیران تیم‌ملی ایران است. تا الان اختلاف‌نظر عادی هم نداشته‌ایم.

وزنه عروسی یزدانی هم رفتید؟
عقد را ایران نبودم و عروسی هم هنوز نگرفته‌اند؛ احتمالا عروسی خردادماه است.

وزنه درباره ازدواج با شما مشورت کرد؟
درباره اینکه با کی ازدواج کند نه ولی بعد از جهانی ۲۰۲۲ در فدراسیون با حسن یزدانی و حمید سوریان جلسه‌ای داشتیم که بعد از جلسه در راهرو من را صدا کرد و گفت می‌خواهم یک چیزی را مطرح کنم؛ عکسی را نشان داد و گفت ممکن است بین ما اتفاقی بیفتد؛ من هم تبریک گفتم.

وزنه بچه‌های کشتی خیلی سلامت اخلاقی دارند.
اینکه حسن یزدانی باشی و غرور نداشته باشی، قشنگ است. قبل از اینکه سرمربی تیم‌ملی شوم، سرمربی یک تیم باشگاهی بودم که حسن هم آنجا کشتی می‌گرفت. در آستانه المپیک توکیو در یکی از تمرینات تیم رباط پای حسن پاره شد و پایش قفل کرد. می‌دانید این اتفاق قبل از المپیک برای یک قهرمان بیفتد، چه حالتی به او دست می‌دهد؟! آنجا یک‌سری بچه ۱۰، ۱۵ساله به عشق اینکه با حسن یزدانی عکس بگیرند، سر تمرین نشسته بودند. خدا شاهد است که او با تک‌تک آن بچه‌ها عکس گرفت و بعد سوار ماشین شد که به هتل برود. اینها ارزش است. همیشه به بقیه بچه‌ها می‌گویم که شما در دوره‌ای کشتی می‌گیرید که یک الگو را دارید به چشم‌تان می‌بینید.

وزنه مصدومیت یزدانی خوب‌شدنی است؛ امیدوار باشیم؟
امسال هم اگر می‌خواستیم می‌توانستیم او را به مسابقات برسانیم اما اگر خدای ناکرده برایش اتفاقی می‌افتاد، دیگر نمی‌توانست کشتی بگیرد و ما این ریسک را نکردیم.

وزنه شما در مربیگری خیلی به مسائل روحی و روانی بچه‌ها اهمیت می‌دهید. این خیلی ویژگی مهمی است. مشکلی بوده تا حالا که خودتان حل کرده باشید؟
خیلی زیاد است. بعضی از چیزها را نمی‌شود بازگو کرد؛ مثل مشکلاتی که بعضی از بچه‌ها با خانواده‌هایشان دارند. این بچه‌ها محور خانواده‌هایشان هستند و همه مشکلات را به آنها انتقال می‌دهند. روز اول به بچه‌ها گفتم، حس من به همه پدر و پسری است و پدر مشکل فرزند را حل می‌کند. من حضور روانشناس را الزامی کردم. اگر می‌خواهیم به موفقیت برسیم باید تیمی کار کنیم؛ کار تیمی واقعی. هر کاری باید متخصص خودش را داشته باشد و در کار تقسیم وظایف داریم، آنالیزور، بدنساز، متخصص تغذیه و... در کل در همه‌چیزهایی که الان داریم، یک باعث و بانی داریم و او هم علیرضا دبیر است.

وزنه حمایت می‌کند و دست شما را هم باز می‌گذارد؟
حمایت او، حمایت عادی نیست. مثلا برای آنالیز فضا، امکانات و... می‌خواهیم همه‌چیز را فراهم کرده، یا برای بدنسازی، روانشناس و... دبیر نه از پژمان درستکار بلکه فضایی ایجاد کرده که از همه حمایت می‌کند؛ در همه رده‌ها و هم در فرنگی و هم در آزاد. ما امروز از نظر امکانات در دنیا حرف اول را می‌زنیم. من بابت حمایت‌ها و جایگاه و شأنی که دبیر به کشتی داده، از او تشکر می‌کنم.

وزنه کشتی‌گیری بوده که از ایران برود و شما حسرت بخورید که کاش نگاه‌اش می‌داشتیم؟
در این دوره کسی به ذهنم نمی‌رسد اما یکی هست که حسرت می‌خورم چرا رفته و او آقای عبدالله موحد است. او با ۶مدال طلای جهان و المپیک پرافتخارترین کشتی‌گیر تاریخ کشتی آزاد ایران است که او هم ناخواسته به آمریکا رفت. بعد از دوران قهرمانی، مربیگری را خیلی دوست داشت ولی مهاجرت ناخواسته داشت، رفت و ماندگار شد. سال گذشته که به ایران آمده بود، هنوز در ۸۰وخرده‌ای سال سنی که دارد، حسرت این را می‌خورد که چرا نتوانسته مربیگری و به کشورش خدمت کند. او خیلی حیف شده.

حسرت بزرگ

وزنه کار جالبی که شما می‌کنید این است که قبل از مسابقات برای کشتی‌گیران استوری می‌گذارید؛ حماسی می‌نویسد و... خیلی کم پیش می‌آید یک مربی از بچه‌هایش اینطور حمایت کند.
هر مربی‌ای در کارش روشی دارد. من با اینکه سعی می‌کنم همه مسائل علمی را رعایت کنم، فکر می‌کنم به‌خاطر رابطه‌ای که با هم داریم، بچه‌ها سعی می‌کنند به من تکیه کنند. من با این کارها به آنها انرژی می‌دهم، این پست‌ها و استوری‌ها را می‌گذارم. اشک‌هایشان را دیده‌ام و فکر می‌کنم این چیزها به آنها کمک می‌کند. من همه تلاشم را می‌کنم و نتیجه را به خدا واگذار می‌کنم. صحنه‌های روز مسابقه عین جنگ است، یکی می‌برد، یکی می‌بازد، یکی آسیب می‌بیند و... طی آن ۴روز ما نه می‌خوابیم و نه خوب غذا می‌خوریم. روزهای پراسترسی است و اگر پشتوانه معنوی نباشد، شکننده می‌شود.

وزنه تلخ‌ترین شکست این تیم که شما کنارشان بودید، کدام بوده و شما چه حسی داشتید؟
۲، ۳شکست بوده که برای من سخت بوده و هیچ‌وقت یادم نمی‌رود. یکی شکست حسن یزدانی مقابل تیلور جهانی ۲۰۲۲ که خیلی تلخ بود. یکی هم باخت رحمان عموزاد مقابل موسکایف که هم ثانیه‌های پایانی بود و هم ناداوری. یکی هم باخت امیرحسین زارع از طاها گل که در ثانیه‌های آخر بود. یکی هم این آخری شکست کامران قاسم‌پور مقابل سعداله‌یف. در آن لحظه انگار همه سالن روی سرم آوار شد.

وزنه مهم‌ترین دلیل باخت کامران چه بود؟
کامران یک لحظه همه‌چیز را تمام‌شده دانست و فکر کرد که کشتی را برده و تمام شده. این هم از هیجانات ورزش است. این باخت‌ها در دل آدم می‌ماند. سعداله‌یف ۲بار ثانیه‌های آخر ما را نقره‌داغ کرده که ان‌شاءالله امسال انتقام می‌گیریم. قبلا هم مجتبی گلیچ را ثانیه‌های آخر شکست داده بود.

شکست‌های تلخ

با اسکن این کیوآرکد فیلم کامل این گفت‌وگو را تماشا کنید.

اسم‌ها و احساسات

عباس جدیدی: کشتی‌گیر بسیار خوب
رسول خادم: قهرمان بزرگ
حمید سوریان: نابغه، ژنرال
حسن یزدانی: شیرشاه
تیلور: پیرمرد پرحاشیه
علیرضا دبیر: برادر
جهان پهلوان تختی: بدون تکرار

کشتی‌گیر خیلی محبوب غیر از آقاتختی؟ حمید سوریان. خیلی عزیز است هم به لحاظ افتخار و هم به لحاظ اخلاق؛ کسی را مثل او ندیده‌ام.
الگوی شخصی؟ زمانی که بچه بودم و پدرم من را به سالن کشتی می‌برد، دوران اوج برادران محبی بود؛ محمدحسین و محمدحسن. من و برادرم پیمان عاشق آنها بودیم و من عاشق محمدحسن محبی و هنوز هم دوستش دارم. در تیم‌ملی هم افتخار شاگردی‌شان را داشتم.